سیاست خارجی لرزان ترکیه

محمود فاضلی
دیپلمات پیشین و تحلیلگر بین‌الملل

اردوغان در تلاش اســت تا ترکیه را در جایگاه «یک کشور بی‌طرف اما حلال مشکلات در بین جبهه‌ها» قرار دهد. توافق کریدور غلات با اوکراین و روســیه تحت نظارت سازمان ملل متحد، دولت اردوغان را تشویق به برداشتن گام‌های جدیدی در این راستا کرده است. مقامات حزب عدالت و توسعه اکنون اشتیاق خود را برای ایفای نقش «تسهیل‌کننده» در بحران انرژی بین روسیه و اروپا ابراز می‌کنند. در درون این‌همه جبهه، جایگاه ترکیه به دلیل سیاست خارجی پیش‌بینی‌ناپذیر دولت حزب عدالت و توسعه دنبال می‌شود و می‌توان آن را به‌عنوان «سیاست‌های یک‌روزه» توصیف کرد، هنوز مشخص نیست.

از نظر زمان‌بندی بســیار معنی‌دار اســت که پوتین قبل از نشســت سوچی به حضور ظاهری شرکت ترکیه‌ای در نیروگاه هسته‌ای پایان داده و این نیروگاه را کاملا به یک نیروگاه متعلق به روسیه تبدیل کرد. ماده ۵ موافقت‌نامه بین ترکیه و روسیه درمورد تأسیس نیروگاه «آک کویو» که به تصویب مجلس ملی ترکیه نیز رسیده است، مسکو را موظف می‌کند که در چنین تصمیمات مهمی درمورد نیروگاه با دولت ترکیه مشــورت کند؛ ولی بیانیه وزارت انــرژی و منابع طبیعی ترکیه درمورد تحولات این نیروگاه نشــان می‌دهد که نه‌تنها آنکارا این تصمیم را تأیید نکرده؛ بلکه از تحولات نیز مطلع نبوده اســت.بدیهی است که مسکو به جای «سرمایه‌گذاری» روی اردوغان و دولت حزب عدالت و توسعه که وضعیت آن در نظرســنجی‌ها چندان خوب به نظر نمی‌رسد، برنامه‌های خود را براساس تغییر حاکمیت در ترکیه طراحی می‌کند. برنامه روســیه برای ارسال ۱۵ میلیارد دلار وعده داده‌شده برای نیروگاه هسته‌ای «آک کویو» به ترکیه قبل از موعد مقرر تنها می‌تواند به‌عنوان گامی برای «حفظ روابط» با دولت حزب عدالت و توسعه تا بهار و تابستان ۲۰۲۳ تفسیر شود.اردوغان با وجود مخالفت دولت آمریکا، در چارچوب «سیاست تعادل» برای نزدیکی به روسیه نیز تمایل نشــان می‌دهد. اشتیاق اردوغان برای دیدار مجدد با پوتین پس از دیدار دوجانبه‌ای که کمتر از یک ماه پیش در تهران با او داشت، نیز به همین دلیل است. از دور خارج‌کردن شــرکت‌های ترک در پروژه نیروگاه هسته‌ای آک کویو از سوی پوتین و تبدیل این نیروگاه به یک «نیروگاه هســته‌ای روسیه در خارج از این کشور، موفقیت و دستاوردهایی را که دولت حزب عدالت و توســعه انتظار داشت، پیشــاپیش مختل کرد.دولت آمریکا با وجود تمام اصرارها، اتاق بیضی‌شکل کاخ سفید را به روی اردوغان باز نمی‌کند. اردوغان که توانست با هر رئیس‌جمهوری که در آمریکا به حاکمیت رسید، روابط خوبی برقرار کند، نتوانست تأثیر مشابهی را بر روی بایدن ایجاد کند. دولت بایدن به‌صراحت اعلام کرده که قبل از انتخابات ۲۰۲۳، نمی‌خواهد به اردوغان اهرمی را که بتواند در سیاســت داخلی از آن استفاده کند، بدهد.آمریکا آماده فروش جنگنده‌های F-۱۶ به ترکیه برای جلوگیری از فروپاشی سیستم دفاع هوایی این کشــور به‌عنوان یک عضو ناتو است؛ ولی تحرکات پیش‌بینی‌ناپذیر دولت اردوغان در سیاســت خارجی حتی فروش این جنگنده‌ها به ترکیه را که دولت واشــنگتن تمایل زیادی برای آن دارد، نیز با مشــکل مواجه کرده است.در سفر اخیر اردوغان به ایران مقامات ایرانی به‌صراحت با عملیات فرامرزی احتمالی ترکیه در شــمال سوریه مخالفت کردند. البته عادی‌سازی روابط آنکارا با اسرائیل نیز بر مخالفت آشکار تهران با اقدام حزب عدالت و توسعه برای «تقویت صفوف» خود در سیاست داخلی با انجام عملیات نظامی فرامــرزی قبل از انتخابات، تأثیر داشــت.مخالفت‌ها در حمله ترکیه به ســوریه در داخل ترکیه نیز افزایش نشــان می‌دهد. به‌تازگی ۳۰۸ نفر از فرهیختگان ترکیه ازجمله استادان دانشــگاهی، روزنامه‌نگاران و نمایندگان پارلمان با صدور بیانیه‌ای از جریان‌های سیاســی مخالف در کشورشان خواستند تا به منظور پیشگیری از وقوع عملیات نظامی احتمالی در سوریه وارد عمل شوند. آنها انجام عملیات نظامی در اقلیم کردستان عراق را محکوم کرده و تأکید دارند عملیات نظامی احتمالی در سوریه هیچ پایه و اساس منطقی و عقلایی ندارد. دولت حزب عدالت و توســعه برای کاهش بحران اقتصادی تا پیش از برگزاری انتخابات سال ۲۰۲۳، به کشورهای عربی که تا همین اواخر با آنها درگیر بود، روی آورده است. ابتدا با امارات که به‌عنوان «تأمین‌کننده مالی کودتای ۱۵ جولای» روند عادی‌سازی روابط را آغاز کرد. سپس ولیعهد عربستان که به‌عنوان «محرک و آمر» قتل خاشقجی معرفی شده بود، به ترکیه آمد. اگرچه رهبران عرب در کاخ ریاســت‌جمهوری در آنکارا میزبانی شــدند؛ اما «انتقال سرمایه» مورد انتظار انجام نگرفت. اینکه بن‌سلمان ولیعهد سعودی در ترکیه مورد استقبال قرار گرفت، دلارها را از دولت حزب عدالت و توسعه دریغ کرد؛ اما آن را در مصر و سپس یونان پخش کرد، بسیار معنی‌دار بود. ولیعهد عربستان درست قبل از سفر به ترکیه، از مصر بازدید کرده و با این کشور یک قرارداد سرمایه‌گذاری ۳۰ میلیارد دلاری امضا کرد. او در سفرش به آتن نیز قراردادهایی به ارزش چهار میلیارد دلار امضا کرد.

رئیس‌جمهور چین در روزهای آینده به عربستان سفر می‌کند

ریاض چشم‌انتظار «شی»

رئیس‌جمهور چین در اولین ســفر مهم بین‌المللی خود پس از شــیوع همه‌گیری کرونا در سال ۲۰۲۰، راهی عربستان می‌شود. این ســفر که چند هفته بعد از ســفر جو بایدن به منطقه برنامه‌ریزی شده، در شــرایطی انجام می‌شــود که تنش میان پکن و واشنگتن بر ســر تایوان افزایش یافته اســت. خبر این ســفر را که قرار است در روزهای آینده انجام شــود، روزنامه گاردین منتشــر کرده است. به نوشــته این روزنامه، مقام‌های ســعودی می‌خواهند مراســم اســتقبالی مانند اســتقبالی که از دونالد ترامــپ، رئیس‌جمهوری پیشــین آمریکا، در ســال ۲۰۱۷ به عمل آمد ترتیب دهند. مراسمی که در مقایسه با استقبال اخیر از جو بایدن، رئیس‌جمهوری فعلی آمریکا، به مراتب باشکوه‌تر ارزیابی شد.

در ســال ۲۰۱۷، زمانی که ترامپ در نخستین سفر خارجی خود به عربســتان سعودی ســفر کرد، ملک ســلمان، پادشاه عربستان ســعودی در فرودگاه به اســتقبال او رفت. در حالی که در مراسم اســتقبال از بایــدن در فرودگاه تنها امیر مکه و ســفیر عربســتان سعودی در واشنگتن حضور داشتند.

روزنامــه گاردیــن در بخش دیگــری از گزارش خود نوشــت «اســتقبال بی‌ســابقه» از رئیس‌جمهــوری چین می‌تواند نشــان از تحکیــم روابط پکن و ریاض و نشــان‌دادن چیــن در جایگاه یک «متحده» عربستان ســعودی باشد. تحکیم روابط چین و عربستان سعودی از این جهت اهمیت دارد که روابط ریاض و واشنگتن، در دوره ریاســت‌جمهوری بایدن، همچنان رو به سردی است و سفر اخیر بایدن هم تأثیر چندانی در بهبود این مناسبات نداشته است.

پس از انتشار گزارش گاردین، سخنگوی وزارت خارجه چین، در گفت‌وگو با خبرنگاران اعلام کرد در حال حاضر نمی‌تواند اطلاعاتی از ســفر احتمالی رئیس‌جمهوری چین به ریاض ارائه دهد؛ با این حــال گزارش گاردین را تکذیب نکرد. روابط و همکاری‌های چین و عربستان ســعودی در دو دهه گذشته گسترده بوده است. اما بعد از شروع ولیعهدی شاهزاده محمد بن‌ســلمان در سال ۲۰۱۶، این روابط در سطح دیگری گسترش یافت و عمیق‌تر شد. ریاض از رفتار چین با اقلیت مسلمان اویغور و قانون امنیت ملی هنگ‌کنگ دفاع کرده که درباره مسائل کلیدی حقوق بشر با ایالات متحده در تضاد قرار گرفته اســت. روابط تجاری بین دو کشور هم‌زمان با دورشدن واشــنگتن از خاورمیانه تقویت شده اســت. چین بزرگ‌ترین شریک تجاری عربستان سعودی، بزرگ‌ترین خریدار نفت عربستان است.

خاورمیانه از نظر ژئوپلیتیکی برای چین منطقه‌ای بســیار مهم اســت و این کشــور به پایگاه‌های نظامی در آفریقا و جاهای دیگر چشم دوخته است. در گذشته منافع آن صرفا مرکانتیلیستی بود و کاملا بر تجارت متمرکز بود. اکنون آنها به طور فزاینده‌ای به مسائل از طریق یک لنز اســتراتژیک نگاه می‌کننــد. آنها به‌ویژه به تضمین جریان آزاد نفت علاقه‌مند هستند.

شــی اولین بــار در ماه مارس به ریاض دعوت شــد. ســفر او احتمالا مهم‌ترین دیدار یک مقام خارجی از عربستان از زمان ورود ترامپ در ماه می ۲۰۱۷، خواهد بود، جایی که از او با شمشــیرهای نقره‌ای، گوی درخشــان و هدایای گران‌قیمت اســتقبال شد. چین درباره حمله عربستان سعودی به یمن، بایکوت قطر یا قتل جمال خاشقجی مخالف این کشور که منجر به محکومیت شدید آمریکا و اروپا شد، اظهار نظر علنی نکرد. پکن همچنین به‌طور فزاینده‌ای در حال قدم‌گذاشتن به خلأ منطقه‌ای ناشی از کاهش تمایل واشنگتن به حضور پررنگ در خاورمیانه اســت. سفر ماه ژوئن بایدن تأثیرات چندانی به همراه نداشــت و نتوانست شــاهزاده محمد را متقاعد کند تا عرضــه نفت را افزایش دهد - اقدامی که می‌توانســت به کاهش قیمت‌های ســوخت در ایالات متحده در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره کمک کند.

در آماده‌ســازی برای این سفر که انتظار می‌رود در ریاض، جده و کلان‌شهر برنامه‌ریزی‌شده نئوم در سواحل غربی عربستان انجام شــود، برنامه‌هایی برای نصب هزاران بنر چینی و پذیرایی از صدها نفر از مقامات بلندپایه در دست اجراست.

رقابت پکن و واشنگتن

چین مهم‌ترین مشتری نفت خام عربستان سعودی است. پکن حــدود یک‌چهارم صادرات نفت عربســتان را خریداری می‌کند که بیش از ســه برابر سهم ایالات متحده اســت. عربستان بزرگ‌ترین منبع واردات نفت چین در ســال ۲۰۲۱ بود، اگرچه امســال توسط صادرکنندگان نفت روســی جایگزین شــد که به دنبال بازارهایی خارج از شــمول تأثیر تحریم‌های غرب به دلیل جنگ روســیه در اوکرایــن بودند. این تجــارت دوجانبه برای اقتصاد هر دو کشــور اساســی اســت و به خودی خود به منافع ایالات متحده آســیب نمی‌رســاند. با این حال، ایالات متحده می‌تواند به دنبال جلوگیری از یک مشــارکت استراتژیک گســترده‌تر بین چین و عربستان باشد.

انتقال تســلیحات چین به عربستان ســعودی در سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۲۰ نسبت به سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۵ تا ۳۸۶ درصد افزایش یافته اســت. این رشد را بیشتر می‌توان ناشی از فروش پهپادهای مسلح چینی دانست که سعودی‌ها نتوانسته‌اند از تأمین‌کنندگان آمریکایی خریداری کنند. عربستان سعودی هواپیماهای بدون سرنشین چینی را در ســال ۲۰۱۷ خریداری کرد و دو کشــور قرارداد سرمایه‌گذاری مشــترکی را برای طراحی و ساخت هواپیماهای بدون سرنشین در عربستان سعودی در مارس سال جاری امضا کردند.

اگرچه ســعودی‌ها هنوز بیشــتر به هواپیماهای سرنشــین‌دار ارائه‌شــده توســط ایالات متحده و اروپا متکی هستند، برنامه‌های آنها برای تولید ۳۰۰ هواپیمای بدون سرنشــین وینگ لونگ نشــان می‌دهد که در آینده از پهپادهای بیشــتری اســتفاده خواهند کرد. پیشــرفت قابل توجه در ساخت این پهپادها می‌تواند برای همیشه درهای فروش پهپادهای آمریکایی به عربستان سعودی را ببندد.

ایــالات متحــده همچنــان تأمین‌کننــده اصلی تســلیحات به عربستان سعودی و ســایر کشورهای عربی خلیج فارس است، اما چنین معاملاتی با چین نشــان می‌دهد که آمریکایی‌ها با توجه به تمایل برای ایفای نقشــی کوچک‌تر در خاورمیانه، شاید به زودی با چین جایگزین شوند. در مواجهه با تهدیدات منطقه‌ای، سعودی‌ها به منبع قابل اعتماد تسلیحات نیاز دارند تا در برابر این رقبای خود بازدارندگــی ایجاد کرده و در صورت عدم موفقیــت، در برابر آنها دفاع کنند. اگر چین به تأمین‌کننده اصلی تســلیحات ســعودی‌ها تبدیل شــود، پکن می‌تواند روزی ریاض را تحت فشــار قرار دهد تا در صورت بروز درگیری بین آمریکا و چین، صادرات نفت به اروپا و ایــالات متحده را قطع کند. این امر باعث تضعیف وحدت متحدان و توانایی‌های جنگی ایالات متحده می‌شود.

کارنامه یک‌ساله طالبان در تقویم افغانستان

محمدحسین عمادی*

یک ســال از فتح کابل و ســیطره بهت‌آور، اما از پیش طراحی‌شــده طالبان بر افغانســتان می‌گذرد. با مروری گذرا به کارنامه یک‌ســاله طالبان نمی‌توان امیدی به بهبود شــرایط و انتقال قدرت به دولتی مردم‌ســالار و فراگیر را داشت. اخبار و رویدادهایی که در یک سال گذشته شاهد آن بوده‌ایم، برخلاف وعده‌ها و تعهدات دوحه بوده و هرگونه امید به تحول را کم‌رنگ‌تر از گذشــته و تصویری تیره و تار از آینده این ســرزمین و مردم آن را نمایان می‌کند؛ بنابراین باید انتظار پیچیده‌ترشدن شــرایط و وقوع بحران‌های جدی‌تری در عرصه‌های امنیتی، معیشــتی و سیاسی را داشــت. ترور ایمن الظواهری در قلب کابل، کشــتار خونین در مراسم عزاداری محرم و انتشــار تقویم اعیاد و مراسم رسمی طالبان در دو هفته گذشته خود تنها گوشــه‌ای از دلایل ناامیــدی به انتقال قدرت و صلح و ثبات پایدار در افغانســتان است. هیچ‌یک از اقدامات و فرامین طالبان نشانی از موقت‌بودن حاکمیت طالبان نداشــته و تغییرات حیرت‌آور در تقویم جدید طالبــان بیانگر عزم جدی این گروه برای ســلطه دائم بر مردم و سرزمین افغانستان است. حذف تعطیلی ایامی مانند عید نوروز و عاشــورا، که نه‌تنها در افغانستان بلکه در پاکستان و هندوستان ده‌ها سال شکل رسمی و ســنتی یافته است، پیامی آشکار و پشت پا زدن به سنت‌های ملی و حرمت مذهبی شــیعیان این کشور است. جایگزینی این مناسبت‌های ملی و تاریخی با ســالروز مرگ ملاعمر، امضای توافق‌نامه دوحه و تسخیر این کشور به دســت طالبان در تقویم جدید نیز پیام دیگری مبنی بر سلطه فرهنگی-سیاسی و باورهای مذهبی و افراطی طالبان اســت. شاید تنها نکته مثبت در کارنامه تعامل جامعه جهانی با امارت اســلامی آن اســت که پس از یک سال تلاش و مراودات سیاســی هنوز هیچ کشور جهان مشروعیت امارت اســلامی موقت را به رسمیت نشناخته است؛ اما نشــانه‌هایی که در همه فرامین صادره و رویدادهای یک سال گذشته می‌توان یافت، آن است که رهبری طالبان در اوج خودکامگی، به رسمیت شناخته‌شــدن و مشــروعیت بین‌المللی در ازای کمک‌های بین‌المللی، تشــکیل دولت فراگیر و رعایت حقوق اولیه زنان و قومیت‌ها را نیز از صدر اولویت‌های خود به کناری گذاشــته و به صورت افراطی به دنبال اعمال شــریعت یا سیاست‌های خشــن و یک‌جانبه‌گرای خود اســت. بروز اختلافات داخلی فی‌مابین ســه جناح اصلی طالبان بر ســر شیوه اجرای شریعت و مدارا با جامعه جهانی نیز بسیاری از تحلیلگران امور افغانســتان را به زوال زودرس حاکمیت طالبان امیدوار کرده؛ اما به نظر می‌رســد که آنها فعلا با روش‌های سنتی قدرت را تقسیم کرده و مماشات پیشــه کرده‌اند. تحولات یک سال گذشته و حوادث یک ماه اخیر نشانگر پیچیدگی فزاینــده در تعامــل با طالبان و ضــرورت دقت نظر بیشــتر در خوانش حوادث و بازخورد در قبال آن از ســوی همه کشورهای منطقه، همسایه و به‌خصوص ایران است. اصلی‌ترین محورهای آزمون یک‌ساله کارنامه طالبان و دلایل مردودی آنها را می‌توان به شرح زیر بیان و در پایان راهبرد تعامل را پیشنهاد کرد:

۱- وخامت اوضاع اقتصادی و افزایش بی‌سابقه فقر و گرسنگی در افغانستان. در یک ســال گذشــته و به صورت مســتمر وضعیت معیشــت در افغانستان رو به افول گذاشــته و براســاس برآورد سازمان ملل تعداد گرســنگان این کشور به بیش از ۲۰ میلیون نفر یا دوســوم از جمعیت این کشــور بالغ شــده است. برنامه جهانی غذا (WFP) بارها اعلام کرده که تعداد گرســنگان مطلق در افغانســتان رو به افزایش شــدید گذاشته و هیچ تدبیر دوراندیشانه‌ای از سوی حکومت موقت طالبان به منظور تســهیل شــرایط به چشــم نمی‌خورد. هرچند امارت اســلامی افغانســتان توانسته است توازن نرخ برابری دلار با واحد پول این کشور را از طریق محدودیت‌های حکومتی ثابت نگه دارد؛ اما تولید و دسترسی به غذا رو به کاهش گذاشــته و مهم‌تر از آن، قدرت خرید مردم به‌شدت نسبت به گذشته کاهش یافته است. اگرچه برخی از کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل و جامعه جهانی ادامه یافتــه؛ اما با اولویت‌یافتن جنگ اوکراین این روند به‌هیچ‌وجه پاســخ‌گوی افزایش شــدید نرخ فقر و گرسنگی در این کشور نیســت و قربانی اصلی این بحران، مردم بی‌پناه افغانستان به‌خصوص در مناطق دور از دسترس و مناطق روستایی هستند.

۲- عدم ثبات و بهبود وضعیت امنیتی به‌خصوص برای اقوام غیرپشتون. شاید اصلی‌ترین توقع از ســلطه طالبان بر افغانستان بهبود وضعیت امنیتی این کشور و حداقــل انتظار بعــد از روی کار آمدن طالبان، کاهش کشــتار مردم بی‌دفاع در اقدامات تروریستی در این کشور بود. ظهور سازمان‌های تروریستی در افغانستان و عملیات گســترده آنها در انفجارهای مکرر و شمار کشته‌شدگان در این حوادث در سال گذشته نشانگر عدم بهبود وضعیت امنیتی این کشور و کارنامه غیرقابل قبول یک‌ساله طالبان در این زمینه است. نکته‌ای که بیانگر وخیم‌ترشدن اوضاع امنیتی در این کشور است، آن است که کشتار مردم در سال گذشته شکل کاملا هدفمندی به خود گرفتــه و عمدتا دیگر مذاهــب و قومیت‌های این ســرزمین، به‌خصوص شــیعیان و قوم هــزاره را هدف گرفته اســت. این امر خود عملا بــه یک تصفیه نژادی و نسل‌کشــی برنامه‌ریزی‌شده شباهت دارد. کوچ گســترده و اجباری اقوام و جایگزین‌کردن پشــتون‌ها در مناطق هزاره‌نشین بخش دیگری از این اقدامات به بهانه تثبیت امنیت در افغانســتان است که مجامع جهانی نیز تاکنون در قبال این اقدام سکوت پیشه کرده‌اند.

۳- همــکاری سازمان‌دهی‌شــده طالبان با تروریســم بین‌المللی و ادامه روند تولید مواد مخدر. با وجود تعهد رسمی طالبان در معاهده دوحه و تضمین دوری از سازمان‌های تروریستی بین‌المللی مانند القاعده و داعش، ترور ایمن الظواهری در قلب کابل از ســوی آمریکا نشانگر یک تناقض آشکار و زنگ خطری برای همه کشورهای منطقه و همسایه است. اگر طالبان از وجود سرکرده القاعده در پایتخت امارت اسلامی بی‌خبر بوده، این امر نشانگر ضعف و ناتوانی این حکومت در کنترل تروریســم افراطی اســت و اگر ایمن الظواهری زیر چتر امنیتی امارت اسلامی در کابــل و همکاری با آنها به ســر می‌برده، قطعا طالبان خطــر جدی‌تری، به‌عنوان هماهنگ‌کننده منطقه‌ای تروریســم، برای کشورهای همسایه و قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای خواهد بود. اطلاعاتی که ســرویس‌های جاسوسی انگلیس و آمریکا از همکاری نظام‌مند طالبان با گروه‌های تروریســتی می‌دهند، نیز خود مؤید فرضیه دوم در همکاری مشترک آنها برای تأمین منافع مشترک است. فرض سوم که دال بر معامله و همکاری آمریکا بــا جناحی از طالبان به منظور ترور ایمن الظواهری اســت، قطعا زنگ خطــر جدی‌تری را بــرای قدرت‌های منطقه‌ای و کشــورهای همســایه به صدا درآورده اســت! در زمینه کنترل مواد مخدر نیز با وجود صدور فرمان امیرالمؤمنین طالبان در ممنوعیت کاشت تریاک، زمان صدور فرمان که پس از فصل کاشــت خشخاش در افغانستان بوده، به‌هیچ‌وجه تکرار فرمان ملاعمر در ســال ۲۰۰۲ نخواهد بود و تنها باعث افزایش قیمت شــش برابری تریاک شــده و قطعا عایدات غیررسمی بیشتری برای طالبان به همراه خواهد داشت.

۴- التزام‌نداشــتن به رعایت حقوق بشــر، آزادی آموزش زنــان و قومیت‌ها و مذاهب. در ســرزمین متکثر افغانستان شــاید اصلی‌ترین دل‌نگرانی جوامع غربی و برخی همســایگان افغانستان این موضوع است. همه فرامین صادره و اقدامات انجام‌شده از سوی طالبان در سال گذشته، نشانگر این واقعیت تلخ است که طالبان ۲ از نظــر ماهیتی هیچ تفاوتی در ایده و آرمان نســبت به طالبان ۱ (دوره ســلطه سه‌ســاله قبل از اشغال افغانستان) نداشــته و تنها شیوه و تاکتیک عملیاتی خود را در اجرای تدریجی و مرحله‌ای بهبود بخشــیده اســت. نبود نشانه‌ای از تشکیل دولت فراگیر و رعایت حقوق اولیه دیگر مذاهب و قومیت‌های اصلی افغانســتان در تقســیم قدرت از یک ســو و محدودیت‌های جدی برای زنان به‌خصوص حق تحصیل از ســوی دیگر، همگی نشــانه‌ای از نبــود رواداری و انعطاف محدود در رعایت اصول اولیه حکومت‌داری در دنیای مدرن از ســوی امارت موقت اسلامی است.

۵- خدشه‌دارشــدن امنیــت مرزها، رعایت‌نکردن حســن هم‌جــواری و تنزل مبادلات و تجارت بین دو کشور، از دیگر نقاط ضعف کارنامه یک‌ساله طالبان بوده است. کشمکش‌های مکرر مرزی طالبان با اکثر کشورهای همسایه حتی پاکستان، در یک ســال گذشــته باعث درگیری و تبادل آتش و کشته‌شدن مرزداران در خط مرزی با کشــورهای همسایه ازجمله ایران شــده و ادامه این روند خطر بالقوه‌ای برای امنیت مرزها و تشــدید قاچاق مواد مخدر خواهد بود. داده‌های غیررســمی بیانگر کاهش حجم دادوستد بین دو کشــور (مواد غذایی، سوخت و کالا) نسبت به قبل اســت. همواره تمکین در قبــال توافق‌نامه‌های قانونــی مانند معاهدات دوطرفــه درباره بهره‌برداری از منابع مشــترک در گرو ثبات، حســن هم‌جواری و اعتماد متقابل بین کشورهاســت. بدیهی است که تفاهم بر سر حقابه هیرمند، که مبتنی بر معاهده رســمی ۵۰ساله است، نیز در گرو عادی‌سازی و اعتماد دوطرفه خواهــد بود. قطعا اقدام طالبان در زمینه حقابه هیرمند بهترین نشــانه بهبود در روابط دوجانبه، حسن هم‌جواری و اعتماد متقابل تلقی شده و می‌تواند زمینه‌ساز گفت‌وگوی سازنده و تعامل جامع قرار گیرد. هرچند برخی از تحلیلگران معتقدند پاســخ‌هایی که تاکنون طرف ایرانی درباره حقابه هیرمند از سوی طالبان دریافت کرده، تکرار مواضع رسمی و بی‌ثمر قبلی بوده است.

۶- تشــدید روند مهاجرت و افزایش پناهندگان به کشورهای همسایه. بی‌ثباتی سیاســی و بحران اقتصادی داخلی در افغانستان باعث افزایش شمار پناهندگان به ایران شده است. این در حالی است که ایران در مقایسه با کشور پاکستان کمک بسیار ناچیزی از ســازمان ملل در قبال پناه‌دادن به بیش از چهار میلیون شهروند افغانســتان دریافت می‌کند. در ســال گذشــته به صورت مکرر این امر باعث بروز بحران‌های جدی و حتی منازعات و حمله به کنســولگری ایران در هرات شــد. با توجه به ماهیت و کارکرد دولت موقت امارت اســلامی، ســه گروه از شهروندان افغانستان در ســال گذشته و طی مراحلی راهی ایران شــده‌اند، گروهی به دلیل شــرایط بد اقتصادی و رکود بازار کار راهی ایران شــده‌اند. گــروه دیگری به دلیل فشارهای قومی، مذهبی و بی‌پناه‌ماندن در قبال قوم پشتون راهی ایران شده‌اند و گروه دیگری که با دولت قبل همکاری داشــته‌اند، از هراس دستگیری و مجازات از ســوی طالبان به ایران و کشورهای همسایه پناهنده شده‌اند. این روند مهاجرت در شــرایطی که ایران با تحریم‌های گسترده و بحران اقتصادی روبه‌رو است، فشار مضاعفی بر ایران تلقی می‌شود.

با مروری بر کارنامه تیره طالبان در ســال گذشــته و ادامه تأثیرات منفی آن بر ثبات و صلح در منطقه و ایران، باید راهبرد کلی تعامل با طالبان براســاس منافع ملی و به صورت یک رهیافت جامع تنظیم شــده و همه سیاست‌های مربوطه در این چارچوب تدوین و به صورت هماهنگ از ســوی همه دســتگاه‌های اجرائی و امنیتی دنبال شــود. سیاســت پذیرش پناه‌جویان، مبارزه با تروریسم و مواد مخدر، تضمین امنیت مرزها، توســعه تجارت، کمک‌های بشردوســتانه و بسط تعاملات سیاســی و عمل به معاهدات دوطرفه باید در قالب یک طرح جامع اقدام تدوین شود تا بتواند چالش‌های حاصل از حاکمیت طالبان را به فرصت تبدیل کرده یا بر پایه معادلــه‌ای متوازن زیان‌های حاکمیت طالبان با مزایای آن که متضمن منافع ملی باشد، پوشش داده شود.

* کارشناس ارشد سابق سازمان ملل در بازسازی افغانستان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی

برابررای شماره ۳۸۶۲ تاریخ ۱۴۰۱/۳/۳۱ هیات قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بهشهر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم اقای سید محمد موسوی فرزند سید نصراله نسبت ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۹۶۷/۹۲ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۰ اصلی به شماره کلاسه ۱۳۹۸/۱۱۲۳ واقع در اراضی شهید اباد بخش ۱۸ ثبت بهشهر محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله۱۴ آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند. میتواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خودرا به این اداره تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضا مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۱۳۵۸۷۹۴

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۱/۵/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۱/۶/۵
رئیس اداره ثبت اسناد واملاک بهشهر
محمد مهدی قلیان

برگ سبز، کارت ماشین و سند کمپانی خودروبنز S500
رنگ مشکی متالیک مدل ۲۰۰۸ به شماره پلاک ایران
۲۰_۱۶۹ م ۳۶ و شماره موتور ۲۷۳۹۶۱۳۰۱۹۹۵۳۸ و شماره شاسی
WDD2211711A182780 **به نام سید تقی میرقربانی نو**
کنده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.